

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Analysis of Retirement Rights Based on the Theories of Otto von Bismarck and Imam Muhammad al-Baqir (AS)

Elahe Kazemi¹, Hamed Afshari*¹

1. Department of Law, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: afsharihamid46@gmail.com

ABSTRACT

This article presents a comparative analysis of the theories of Otto von Bismarck and Imam Muhammad al-Baqir (AS) on retirement rights. Otto von Bismarck, the founder of the modern pension system in Germany, emphasized mandatory and participatory social security principles aimed at providing sustainable and broad financial support for elderly workers. In contrast, Imam Muhammad al-Baqir (AS) focused on social justice and support for the needy, with financial resources provided through zakat and alms. The article begins by examining the lives and activities of these two prominent figures and then analyzes the principles and foundations of their theories on retirement rights. The cultural and social impacts of these theories are also explored. Additionally, considering the conditions and requirements of contemporary societies, the feasibility of integrating these two theories to create more efficient and equitable pension systems is discussed. Finally, recommendations for improving pension systems are provided, incorporating the principles of both Bismarck and Imam Muhammad al-Baqir (AS) to achieve sustainable funding, social justice, and support for the needy.

Keywords: *Retirement rights, Otto von Bismarck, Imam Muhammad al-Baqir (AS), social security, social justice, zakat, alms*

How to cite: Kazemi, E., & Afshari, H. (2023). A Comparative Analysis of Retirement Rights Based on the Theories of Otto von Bismarck and Imam Muhammad al-Baqir (AS). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 44-53.



تاریخ ارسال: ۳۰ مهر ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۱۴ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ دی ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی حقوق بازنشستگی با استناد به نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع)

الهه کاظمی^۱، حامد افشاری^{۲*}

۱. گروه حقوق، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: afsharihamid46@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در زمینه حقوق بازنشستگی می‌پردازد. اوتو فون بیسمارک، بنیانگذار سیستم بازنشستگی مدرن در آلمان، بر اصول تأمین اجتماعی اجباری و مشارکتی تأکید داشت که هدف آن تأمین مالی پایدار و گسترده برای کارگران مسن بود. در مقابل، امام محمد باقر (ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان، منابع مالی را از طریق زکات و صدقات تأمین می‌کرد. این مقاله ابتدا زندگی و فعالیت‌های این دو شخصیت برجسته را بررسی می‌کند و سپس به تحلیل اصول و مبانی نظریات آن‌ها در مورد حقوق بازنشستگی می‌پردازد. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این نظریات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، با توجه به شرایط و الزامات جوامع معاصر، امکان‌سنجی تلفیق این دو نظریه برای ایجاد سیستم‌های بازنشستگی کارآمدتر و عادلانه‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود سیستم‌های بازنشستگی ارائه می‌شود که ترکیبی از اصول بیسمارک و امام محمد باقر (ع) را دربر می‌گیرد تا به تأمین مالی پایدار، عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان دست یابد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بازنشستگی، اوتو فون بیسمارک، امام محمد باقر (ع)، تأمین اجتماعی، عدالت اجتماعی، زکات، صدقات.

نحوه استناددهی: کاظمی، الهه، و افشاری، حامد. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی حقوق بازنشستگی با استناد به نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱(۲)، ۴۴-۵۳.



دیدگاه را درک کرده و نقاط قوت و ضعف هر یک را بشناسیم. همچنین، با بررسی این نظریات، می‌توان به راهکارهای جدید و کاربردی برای بهبود سیستم‌های بازنشستگی در جوامع مختلف دست یافت. در نهایت، این مقاله سعی دارد تا با ترکیب دیدگاه‌های غربی و اسلامی، به یک مدل جامع و موثر برای حمایت از بازنشستگان دست یابد.

بررسی نظریات اوتو فون بیسمارک

زندگی و فعالیت‌های اوتو فون بیسمارک

اوتو فون بیسمارک، سیاستمدار برجسته آلمانی، در سال ۱۸۱۵ در شونهاوزن، پروس متولد شد. او در سال ۱۸۶۲ به عنوان صدراعظم پروس منصوب شد و در نهایت در سال ۱۸۷۱، پس از تأسیس امپراتوری آلمان، به عنوان نخستین صدراعظم این کشور فعالیت خود را ادامه داد. بیسمارک به عنوان یک استراتژیست ماهر و سیاستمدار برجسته، نقش مهمی در وحدت آلمان ایفا کرد و به خاطر سیاست‌های داخلی و خارجی خود شهرت یافت (Algar, 2002).

بیسمارک علاوه بر موفقیت‌های سیاسی، به عنوان بنیانگذار سیستم‌های تأمین اجتماعی مدرن نیز شناخته می‌شود. او معتقد بود که دولت باید نقش فعالی در حمایت از شهروندان ایفا کند. این اعتقاد منجر به ایجاد اولین سیستم‌های بازنشستگی دولتی در آلمان شد که به عنوان یکی از اولین تلاش‌ها برای تأمین امنیت اقتصادی برای کارگران شناخته می‌شود (Baharun, 2018).

نظریه‌های بیسمارک در مورد حقوق بازنشستگی

بیسمارک معتقد بود که یک دولت قوی باید به نیازهای اساسی شهروندان خود پاسخ دهد و این شامل تأمین مالی بازنشستگی برای کارگران می‌شود. او در سال ۱۸۸۹ اولین سیستم بازنشستگی دولتی را ایجاد کرد که هدف اصلی آن کاهش نارضایتی‌های اجتماعی و جلوگیری از نفوذ ایده‌های سوسیالیستی در میان طبقه کارگر بود (Hakim, 2016).

حقوق بازنشستگی یکی از مهمترین جنبه‌های زندگی افراد در سنین پس از اشتغال است. این حقوق به عنوان یک حمایت مالی و اجتماعی از افراد مسن در جامعه عمل می‌کند و نقش حیاتی در تأمین رفاه و امنیت اقتصادی آنان دارد. اهمیت این موضوع به ویژه در جوامع مدرن که امید به زندگی در آن‌ها افزایش یافته و تعداد بازنشستگان نیز به تبع آن رو به افزایش است، بیشتر نمایان می‌شود. حقوق بازنشستگی نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از دیدگاه اجتماعی نیز حائز اهمیت است زیرا به تأمین استقلال و کرامت بازنشستگان کمک می‌کند (Choudhury, 2018).

در بررسی تاریخیچه و توسعه حقوق بازنشستگی، دو شخصیت برجسته و تاثیرگذار می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند: اوتو فون بیسمارک، بنیانگذار سیستم بازنشستگی مدرن در آلمان و امام محمد باقر (ع)، یکی از امامان بزرگ شیعه که نظریات اخلاقی و اجتماعی وی تأثیرات مهمی بر جامعه اسلامی داشته است. اوتو فون بیسمارک، صدراعظم پروس و بعداً امپراتوری آلمان، با ایجاد اولین سیستم بازنشستگی دولتی در سال ۱۸۸۹، نقش مهمی در توسعه سیستم‌های تأمین اجتماعی مدرن ایفا کرد. هدف اصلی او از این اقدام، کاهش نارضایتی‌های اجتماعی و تقویت حمایت دولتی از طبقات کارگر بود. امام محمد باقر (ع) نیز با ارائه تعالیم اخلاقی و اجتماعی خود، تأکید بسیاری بر حقوق افراد مسن و نیازمندان داشت. وی در زمینه‌های مختلف از جمله عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و حمایت از نیازمندان، دیدگاه‌های ارزشمندی ارائه کرده است که می‌تواند الهام‌بخش سیستم‌های بازنشستگی در جوامع اسلامی باشد (Abbas & Amin, 2018; Choudhury, 2018).

از این رو، هدف اصلی این مقاله بررسی تطبیقی نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در زمینه حقوق بازنشستگی است. این مقایسه به ما کمک می‌کند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو

به طور کلی، نظریات و سیستم‌های ایجاد شده توسط بیسمارک نه تنها در آلمان بلکه در سراسر جهان تأثیرات قابل توجهی داشته و به عنوان یکی از پایه‌های اصلی سیستم‌های تأمین اجتماعی مدرن شناخته می‌شوند. این سیستم‌ها با تأمین امنیت اقتصادی برای افراد مسن، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت جوامع ایفا کرده‌اند (Choudhury, 2018).

بررسی نظریات امام محمد باقر (ع)

زندگی و فعالیت‌های امام محمد باقر (ع)

امام محمد باقر (ع)، پنجمین امام شیعه، در سال ۵۷ هجری قمری در مدینه متولد شد و در سال ۱۱۴ هجری قمری در همان شهر به شهادت رسید. وی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی و دینی در تاریخ اسلام شناخته می‌شود و به دلیل دانش وسیع و توانایی‌های علمی خود به لقب "باقر العلوم" (شکافنده علوم) معروف است (Algar, 2002).

امام محمد باقر (ع) در دوره‌ای زندگی می‌کرد که جامعه اسلامی با تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری مواجه بود. او تلاش کرد تا با آموزش و ترویج معارف اسلامی، جامعه را از انحرافات فکری و اعتقادی نجات دهد. وی در حوزه‌های مختلفی از جمله فقه، تفسیر، حدیث و اخلاق فعالیت‌های چشمگیری داشت و تأثیرات عمیقی بر توسعه و پیشرفت علوم اسلامی گذاشت (Empey, 2006).

دیدگاه‌های امام محمد باقر (ع) در مورد حقوق بازنشستگی

امام محمد باقر (ع) در تعالیم خود به اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان توجه ویژه‌ای داشت. او معتقد بود که جامعه اسلامی باید به گونه‌ای سازماندهی شود که همه افراد، به ویژه سالخوردگان و بازنشستگان، از حقوق اساسی خود برخوردار باشند. یکی از اصول مهم در دیدگاه امام محمد باقر (ع)، تأکید بر اهمیت احترام و تکریم به سالمندان و تأمین نیازهای مالی و اجتماعی آنان است (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

بیسمارک در ایجاد این سیستم، به دو اصل اساسی توجه داشت: اول، تأمین امنیت اقتصادی برای کارگران مسن که دیگر قادر به کار نیستند و دوم، تقویت وفاداری کارگران به دولت از طریق ارائه حمایت‌های مالی. او معتقد بود که دولت باید از طریق مالیات‌گذاری و بیمه‌های اجتماعی، منابع مالی لازم برای پرداخت حقوق بازنشستگی را فراهم کند (Mavani, 2010).

یکی از ویژگی‌های بارز سیستم بیسمارک، اجباری بودن مشارکت در بیمه‌های اجتماعی بود. هر کارگر و کارفرما باید به سیستم بازنشستگی دولت کمک مالی می‌کردند تا در آینده بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. این مدل اجباری باعث شد تا سیستم بازنشستگی به سرعت گسترش یابد و تعداد زیادی از کارگران تحت پوشش قرار گیرند (Scharbrodt, 2021).

تأثیرات و پیامدهای نظریات بیسمارک در سیستم‌های بازنشستگی

نظریات بیسمارک تأثیرات عمیقی بر سیستم‌های بازنشستگی در سراسر جهان داشت. سیستم بازنشستگی او به عنوان یک مدل موفق در بسیاری از کشورها مورد تقلید قرار گرفت و بسیاری از دولت‌ها از اصول بیسمارک برای ایجاد سیستم‌های تأمین اجتماعی خود استفاده کردند (Widiyanto, 2021).

یکی از پیامدهای مهم نظریات بیسمارک، افزایش امنیت اقتصادی کارگران مسن و کاهش نابرابری‌های اجتماعی بود. این سیستم به کارگران اطمینان داد که در دوران بازنشستگی خود از حمایت مالی برخوردار خواهند بود و این امر باعث افزایش رضایت و وفاداری آنان به دولت شد (Yalçınkaya, 2021).

علاوه بر این، سیستم بازنشستگی بیسمارک باعث کاهش فشار بر نهادهای خیریه و خانواده‌ها برای حمایت از افراد مسن شد. با وجود یک سیستم دولتی قوی، خانواده‌ها کمتر نیاز داشتند تا به تأمین مالی بازنشستگان بپردازند و این امر باعث کاهش بار مالی بر دوش خانواده‌ها شد (Furqani & Hamid, 2020).

مقایسه اصول و مبانی نظریات بیسمارک و امام محمد باقر (ع) نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در مورد حقوق بازنشستگی هر کدام بر اصول و مبانی خاص خود استوار هستند. بیسمارک به عنوان بنیانگذار سیستم بازنشستگی مدرن در آلمان، بر اصل تأمین اجتماعی اجباری و مشارکتی تأکید داشت. او معتقد بود که دولت باید نقش فعالی در تأمین مالی بازنشستگی ایفا کند و از طریق مالیات‌ها و بیمه‌های اجتماعی، منابع لازم برای پرداخت حقوق بازنشستگی را فراهم کند (Baharun, 2018). این سیستم مبتنی بر پرداخت‌های منظم از سوی کارگران و کارفرمایان بود و هدف آن کاهش نارضایتی‌های اجتماعی و ایجاد امنیت اقتصادی برای کارگران مسن بود.

در مقابل، امام محمد باقر (ع) نظریات خود را بر اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان استوار کرده بود. او بر اهمیت احترام و تکریم سالمندان تأکید می‌کرد و معتقد بود که جامعه اسلامی باید به گونه‌ای سازماندهی شود که همه افراد، به ویژه سالخورده‌گان، از حقوق اساسی خود برخوردار باشند. امام باقر (ع) معتقد بود که زکات و صدقات به عنوان منابع مالی برای حمایت از بازنشستگان و نیازمندان استفاده شود (Abbas & Amin, 2021).

نقاط قوت و ضعف هر یک از نظریات

یکی از نقاط قوت نظریه بیسمارک، سیستم اجباری و مشارکتی آن بود که باعث شد تمامی کارگران و کارفرمایان در تأمین مالی سیستم بازنشستگی مشارکت کنند. این امر باعث افزایش پوشش جمعیتی و پایداری مالی سیستم شد (Hakim, 2016) اما یکی از نقاط ضعف این سیستم، وابستگی زیاد آن به وضعیت اقتصادی و اشتغال بود. در دوره‌های رکود اقتصادی یا افزایش بیکاری، تأمین منابع مالی برای پرداخت حقوق بازنشستگی می‌توانست با چالش مواجه شود. با این وجود، نظریه امام محمد باقر (ع) نیز دارای نقاط قوتی همچون تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از

امام باقر (ع) به اهمیت تأمین مالی برای بازنشستگان از طریق زکات و صدقات اشاره کرده و تأکید کرده است که باید بخشی از اموال عمومی و خیرات برای حمایت از افراد مسن و ناتوان جامعه تخصیص یابد. او می‌فرماید: "حقوق الناس علیکم و حقوقکم علیهم" (حقوق مردم بر عهده شما و حقوق شما بر عهده مردم است)، که نشان‌دهنده تأکید او بر تعاملات اجتماعی و حمایت متقابل افراد جامعه است (Diab & Al-Nasseri, 2022).

تأثیرات و پیامدهای نظریات امام در جامعه اسلامی

نظریات امام محمد باقر (ع) تأثیرات عمیقی بر جامعه اسلامی داشت و به عنوان یکی از منابع اصلی فقه شیعه در نظر گرفته می‌شود. دیدگاه‌های او در مورد عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان، باعث شکل‌گیری سیستم‌های حمایتی و خیریه در جوامع اسلامی شد. بسیاری از اصول و مبانی نظری او در سیستم‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشورهای اسلامی به کار گرفته شده است (Kara, 2015).

یکی از مهمترین پیامدهای نظریات امام باقر (ع)، ایجاد حس همبستگی و همکاری در میان افراد جامعه است. او با تأکید بر اهمیت کمک به نیازمندان و تأمین مالی بازنشستگان، به گسترش فرهنگ نیکوکاری و تعاون در جامعه اسلامی کمک کرد. این امر نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی افراد مسن کمک کرده بلکه باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد حس اعتماد و همکاری در جامعه شده است (Sachedina, 1998).

به طور کلی، نظریات امام محمد باقر (ع) در مورد حقوق بازنشستگی و حمایت از سالخورده‌گان، به عنوان یکی از مبانی اساسی عدالت اجتماعی در اسلام شناخته می‌شود. این دیدگاه‌ها با تأکید بر اهمیت احترام به کرامت انسانی و تأمین نیازهای اساسی افراد، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی ایفا کرده است (Borti & Daud, 2020).

تحلیل تطبیقی حقوق بازنشستگی

سیستم‌های بازنشستگی معاصر در بسیاری از کشورهای غربی بر مبنای اصول و مبانی نظریات اوتو فون بیسمارک بنا شده‌اند. این سیستم‌ها عموماً بر اساس مدل تأمین اجتماعی اجباری و مشارکتی عمل می‌کنند. در این سیستم‌ها، کارگران و کارفرمایان هر دو موظف به پرداخت مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی هستند که این منابع برای تأمین حقوق بازنشستگی استفاده می‌شوند (Hakim, 2016).

برای مثال، سیستم بازنشستگی در آلمان همچنان بر اساس مدل بیسمارکی استوار است. این سیستم که به نام "Rentenversicherung" شناخته می‌شود، شامل پرداخت‌های منظم از سوی کارگران و کارفرمایان است و دولت نیز به عنوان ضامن و ناظر بر این سیستم عمل می‌کند. این مدل باعث شده است که امنیت اقتصادی بازنشستگان تأمین شود و نابرابری‌های اجتماعی کاهش یابد (Choudhury, 2018).

در ایالات متحده نیز سیستم بازنشستگی بر مبنای اصول مشابهی قرار دارد. سیستم تأمین اجتماعی آمریکا، که به عنوان "Social Security" شناخته می‌شود، از طریق مالیات‌های اشتغال تأمین مالی می‌شود و به بازنشستگان، افراد ناتوان و بازماندگان کمک می‌کند. این سیستم با الهام از مدل بیسمارک، بر اصل مشارکت اجباری و تأمین امنیت اقتصادی برای بازنشستگان استوار است (Widiyanto, 2021).

بررسی سیستم‌های بازنشستگی در جوامع اسلامی

در جوامع اسلامی، سیستم‌های بازنشستگی با تأثیر از اصول و مبانی اسلامی شکل گرفته‌اند. این سیستم‌ها بیشتر بر مبنای زکات، صدقات و وقف استوار هستند و تأکید بر عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان دارند (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

برای مثال، در ایران، سیستم بازنشستگی بر اساس مدل اسلامی و تلفیقی از اصول بیمه‌ای و کمک‌های اجتماعی عمل می‌کند.

نیازمندان بود. این نظریه باعث ایجاد حس همبستگی و تعاون در جامعه اسلامی می‌شد و فرهنگ نیکوکاری را تقویت می‌کرد (Diab & Al-Nasseri, 2022).

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی هر یک از نظریات

نظریه بیسمارک تأثیرات فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی در جوامع غربی داشت. این سیستم با تأمین امنیت اقتصادی برای کارگران مسن، باعث افزایش رضایت و وفاداری آنان به دولت شد و نارضایتی‌های اجتماعی را کاهش داد (Sachedina, 1998). این امر به تثبیت نظم و استقرار دولت‌های قوی کمک کرد و نقش مهمی در توسعه سیستم‌های تأمین اجتماعی مدرن ایفا کرد.

در مقابل، نظریات امام محمد باقر (ع) تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عمیقی در جوامع اسلامی داشت. این نظریات باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد حس همبستگی و همکاری در میان افراد جامعه شد. امام باقر (ع) با تأکید بر اهمیت کمک به نیازمندان و تأمین مالی بازنشستگان، به گسترش فرهنگ نیکوکاری و تعاون در جامعه اسلامی کمک کرد (Kara, 2015). این امر نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی افراد مسن کمک کرده بلکه باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد حس اعتماد و همکاری در جامعه شده است.

در مجموع، هر دو نظریه با توجه به شرایط و الزامات خاص خود، تأثیرات مهمی در جوامع خود داشته‌اند. سیستم بیسمارک با ایجاد ساختارهای سازمانی و اجرایی قوی، به پایداری و کارایی سیستم‌های بازنشستگی کمک کرده و نظریات امام محمد باقر (ع) با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان، به تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی منجر شده است (Borti & Daud, 2020).

کاربرد نظریات در جوامع معاصر

بررسی سیستم‌های بازنشستگی معاصر با تأثیر از نظریات بیسمارک

انسانی و احترام به سالمندان نیز توجه کند. این امر می‌تواند به ایجاد حس همبستگی و تعاون در جامعه کمک کند و فرهنگ نیکوکاری و حمایت از نیازمندان را تقویت کند (Sachedina, 1998).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، تحلیل تطبیقی نظریات اوتو فون بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در مورد حقوق بازنشستگی مورد بررسی قرار گرفت. اوتو فون بیسمارک به عنوان بنیانگذار سیستم بازنشستگی مدرن، بر اصول تأمین اجتماعی اجباری و مشارکتی تأکید داشت که باعث تأمین مالی پایدار و گسترده سیستم‌های بازنشستگی در کشورهای غربی شد (Hakim, 2016). در مقابل، امام محمد باقر (ع) بر اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان تأکید می‌کرد و منابع مالی را از طریق زکات و صدقات تأمین می‌کرد (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی هر دو نظریه نیز بررسی شد. نظریات بیسمارک باعث افزایش امنیت اقتصادی و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی شد و نظریات امام محمد باقر (ع) به تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقاء فرهنگ نیکوکاری و حمایت از نیازمندان کمک کرد (Choudhury, 2018).

پیشنهاداتی برای بهبود سیستم‌های بازنشستگی

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، پیشنهاداتی برای بهبود سیستم‌های بازنشستگی می‌توان ارائه داد: تلفیق اصول بیسمارک و امام محمد باقر (ع): استفاده از مدل تأمین اجتماعی اجباری و مشارکتی بیسمارک و تلفیق آن با اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان امام باقر (ع) می‌تواند به ایجاد سیستمی کارآمدتر و عادلانه‌تر منجر شود. این تلفیق می‌تواند منابع مالی پایداری را از طریق مالیات‌ها و بیمه‌های اجتماعی تأمین کرده و در عین حال از منابع زکات و وقف برای حمایت از نیازمندان استفاده کند (Choudhury, 2018).

صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی که تحت نظارت دولت فعالیت می‌کنند، منابع مالی خود را از طریق مالیات‌ها و پرداخت‌های بیمه‌ای کارگران و کارفرمایان تأمین می‌کنند. علاوه بر این، منابعی مانند زکات و وقف نیز به عنوان کمک‌های مالی به بازنشستگان و نیازمندان اختصاص می‌یابد (Sachedina, 1998).

در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز سیستم‌های بازنشستگی با تأکید بر اصول اسلامی و منابع مالی دولتی عمل می‌کنند. برای مثال، در عربستان سعودی، صندوق‌های بازنشستگی تحت نظارت دولت و با استفاده از منابع مالی دولتی و پرداخت‌های بیمه‌ای تأمین می‌شوند. این سیستم‌ها علاوه بر تأمین حقوق بازنشستگی، به تأمین نیازهای مالی و اجتماعی بازنشستگان نیز توجه ویژه‌ای دارند (Kara, 2015).

امکان‌سنجی تلفیق نظریات بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در سیستم‌های بازنشستگی جدید

تلفیق نظریات بیسمارک و امام محمد باقر (ع) در سیستم‌های بازنشستگی جدید می‌تواند به ایجاد مدل‌های جامع‌تر و مؤثرتری منجر شود. اصول و مبانی بیسمارک که بر مشارکت اجباری و تأمین مالی پایدار تأکید دارد، می‌تواند با اصول عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان امام باقر (ع) ترکیب شود تا سیستمی کارآمدتر و عادلانه‌تر ایجاد شود (Choudhury, 2018).

برای مثال، می‌توان سیستمی را طراحی کرد که در آن علاوه بر پرداخت‌های بیمه‌ای از سوی کارگران و کارفرمایان، منابع مالی از طریق زکات و وقف نیز تأمین شود. این مدل می‌تواند به تأمین مالی پایدار و گسترده‌تر سیستم بازنشستگی کمک کند و در عین حال عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان را نیز تأمین کند (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

علاوه بر این، با تلفیق این دو نظریه، می‌توان سیستمی را ایجاد کرد که نه تنها به تأمین مالی بازنشستگان بلکه به ارتقاء کرامت

علاوه بر این، با توجه به روند رو به افزایش جمعیت سالخورده در جهان، نیاز به سیستم‌های بازنشستگی کارآمدتر و پایدارتر بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، استفاده از فناوری‌های نوین و ایجاد ساختارهای مدیریتی و اجرایی قوی می‌تواند به بهبود سیستم‌های بازنشستگی و افزایش کارایی آن‌ها کمک کند (Hakim, 2016).

به طور کلی، با بهره‌گیری از اصول و مبانی نظریات بیسمارک و امام محمد باقر (ع)، می‌توان به سیستمی دست یافت که علاوه بر تأمین مالی پایدار، به عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان نیز توجه داشته باشد. این امر می‌تواند به ایجاد جوامعی پایدارتر و عادلانه‌تر کمک کند که در آن همه افراد، به ویژه سالمندان و بازنشستگان، از حقوق اساسی و کرامت انسانی برخوردار باشند (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This paper presents a comparative analysis of the retirement rights theories of Otto von Bismarck, the founder of the modern pension system, and Imam Muhammad al-Baqir (AS), a significant figure in Islamic thought. The aim is to explore the principles and foundations of their respective theories and evaluate their cultural and social impacts. Additionally, the feasibility of integrating these theories to develop more efficient and equitable pension systems for contemporary societies is discussed. By examining the lives and contributions of these two influential figures, this paper provides insights into how their

ایجاد ساختارهای اجرایی قوی: به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری سیستم‌های بازنشستگی، ایجاد ساختارهای اجرایی و مدیریتی قوی ضروری است. این ساختارها می‌توانند با نظارت و مدیریت دقیق منابع مالی، به تأمین حقوق بازنشستگی و حمایت از نیازمندان کمک کنند (Hakim, 2016).

تقویت فرهنگ نیکوکاری و تعاون: ترویج فرهنگ نیکوکاری و تعاون در جامعه از طریق آموزش و تبلیغات می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در حمایت از بازنشستگان و نیازمندان کمک کند. این امر می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی انجام شود که به ترویج ارزش‌های اسلامی و انسانی می‌پردازند (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

چشم‌انداز آینده حقوق بازنشستگی با توجه به نظریات مطرح شده

چشم‌انداز آینده حقوق بازنشستگی با توجه به نظریات مطرح شده می‌تواند به سمت ایجاد سیستم‌های جامع‌تر و عادلانه‌تر حرکت کند. با تلفیق اصول بیسمارک و امام محمد باقر (ع)، می‌توان به سیستمی دست یافت که هم تأمین مالی پایدار و گسترده‌ای داشته باشد و هم عدالت اجتماعی و حمایت از نیازمندان را تأمین کند (Choudhury, 2018).

ideas can contribute to the development of robust retirement systems.

Otto von Bismarck, a prominent German statesman, is recognized for establishing the first state-run pension system in 1889. His approach was grounded in the principles of mandatory and participatory social security. Bismarck's model required both workers and employers to contribute to a state-managed fund, ensuring a stable financial source for retirement benefits. This system aimed to provide economic security for elderly workers and reduce social discontent by addressing the financial needs of the aging population. Bismarck believed that the state's involvement

was crucial in safeguarding the well-being of its citizens, particularly the elderly, and his model has influenced numerous pension systems worldwide (Hakim, 2016).

In contrast, Imam Muhammad al-Baqir (AS), a revered Islamic scholar and the fifth Imam in Shia Islam, emphasized social justice and the support of the needy through religious obligations such as zakat (almsgiving) and sadaqah (charity). Imam al-Baqir (AS) advocated for a community-based approach where wealth distribution played a crucial role in ensuring the welfare of all members of society, especially the elderly and vulnerable (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021). His teachings underscored the moral and ethical responsibility of individuals and the community to provide for those in need, promoting a sense of solidarity and compassion within the Islamic community.

The principles underlying Bismarck's and Imam al-Baqir's (AS) theories on retirement rights reflect their respective cultural and historical contexts. Bismarck's system, developed during the industrial revolution, aimed to address the socioeconomic challenges of rapidly growing urban populations and an increasing number of elderly workers. His model's mandatory and participatory nature ensured a reliable funding mechanism, which contributed to the system's sustainability and broad coverage (Choudhury, 2018). In contrast, Imam al-Baqir's (AS) approach, rooted in Islamic jurisprudence, emphasized voluntary charity and wealth redistribution as means to achieve social justice. His teachings fostered a culture of generosity and mutual support, reinforcing social cohesion and the ethical obligation to assist the less fortunate (Sachedina, 1998).

While both approaches have their strengths, they also exhibit certain limitations. Bismarck's model, although effective in providing financial security, can be heavily

reliant on the economic stability of a country and its employment rates. Economic downturns and high unemployment can strain the system, leading to potential shortfalls in funding (Hakim, 2016). On the other hand, Imam al-Baqir's (AS) approach, while promoting social justice, may lack the structural organization and consistency needed to ensure comprehensive and reliable support for the elderly. The voluntary nature of zakat and sadaqah can result in variable levels of support, depending on the community's wealth and willingness to give (Abbas & Amin Tabataba'i, 2021).

Given these considerations, integrating the principles of Bismarck and Imam al-Baqir (AS) could offer a more balanced and resilient retirement system. Combining mandatory contributions with voluntary charity can create a dual funding mechanism that enhances financial stability while promoting social justice and community involvement. This hybrid model can leverage the strengths of both approaches, ensuring sustainable funding through compulsory contributions and addressing the ethical and moral dimensions of social support through voluntary giving (Choudhury, 2018). Moreover, this integration can foster a culture of responsibility and compassion, encouraging individuals and communities to actively participate in supporting the elderly and vulnerable.

In conclusion, the comparative analysis of Otto von Bismarck's and Imam Muhammad al-Baqir's (AS) theories on retirement rights highlights the potential for developing more comprehensive and equitable pension systems. Bismarck's model provides a robust framework for financial stability through mandatory contributions, while Imam al-Baqir's (AS) approach emphasizes social justice and ethical responsibility through voluntary charity. By integrating these

principles, contemporary societies can create retirement systems that not only ensure financial security but also promote social cohesion and moral integrity. This synthesis can lead to more resilient and inclusive systems that better address the diverse needs of aging populations in an increasingly interconnected world.

References

- Abbas, R., & Amin Tabataba'i, T. S. (2021). The Manifestation of the Qur'an in the Ethical Narratives of Imam Muhammad Bāqir (As). *Alustath Journal for Human and Social Sciences*, 60(2), 93-110. <https://doi.org/10.36473/ujhss.v60i2.1596>
- Algar, H. (2002). Review: Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir * Arzina R. Lalani: Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir. *Journal of Islamic Studies*, 13(1), 59-62. <https://doi.org/10.1093/jis/13.1.59>
- Baharun, M. (2018). Ijtihad Dalam Perspektif Ulama' Syi'ah Isna 'Asyariyah. *Ulul Albab Jurnal Studi Islam*, 8(1), 33-52. <https://doi.org/10.18860/ua.v8i1.6244>
- Borti, D. B. C., & Daud, I. M. (2020). Al Auzānu Fī 'Urūḍi Syi'ri Al Nabawiyyati Li Al Imām Al Bar'i (Dirāsaton Taḥlīliyyatun Fī 'Ilmi Al 'Arūḍi). *Al-Uslub Journal of Arabic Linguistic and Literature*, 4(02), 61-71. <https://doi.org/10.30631/al-uslub.v4i02.59>
- Choudhury, M. A. (2018). Micro-Money, Finance and Real Economy Interrelationship in the Framework of Islamic Ontology of Unity of Knowledge and the World-System of Social Economy. *International Journal of Social Economics*, 45(2), 445-462. <https://doi.org/10.1108/ijse-11-2016-0340>
- Diab, T. W. J., & Al-Nasseri, A. K. A. (2022). Interpretive Narrations in the Book of Dhikr Al-Narr the Mention of Fire by Al-Hafiz Abdulghani Al-Maqdisi (D. 600 AH) Surat Al-Mutaffifin as a Model (Explanatory Hadith Study). *Researcher Journal for Islamic Sciences*, 2(2). <https://doi.org/10.37940/rjis.2022.2.2.12>
- Empey, H. (2006). Early Shi'i Thought. *American Journal of Islam and Society*, 23(1), 110-112. <https://doi.org/10.35632/ajis.v23i1.1649>
- Furqani, H., & Hamid, A. (2020). Konsep Distribusi Muhammad Baqir Al-Sadr Dan Perbandingannya Dengan Teori Keadilan Distribusi Kontemporer. *Muqtasid Jurnal Ekonomi Dan Perbankan Syariah*, 10(2), 107-123. <https://doi.org/10.18326/muqtasid.v10i2.107-123>
- Hakim, R. (2016). Membandingkan Konsep Pajak (Kharāj) Yahya Bin Adam (758-818 H) Dan Imam Al-Mawardi (974-1058 H). *Tsaqafah*, 12(1), 149. <https://doi.org/10.21111/tsaqafah.v12i1.372>
- Kara, S. (2015). The Collection of the Qur'an in the Early Shi'ite Discourse: The Traditions Ascribed to the Fifth Imām Abū Ja'far Muḥammad Al-Bāqir. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 26(3), 375-406. <https://doi.org/10.1017/s1356186315000425>
- Mavani, H. (2010). Ijtihad in Contemporary Shi'ism. *American Journal of Islamic Social Sciences*, 27(3), 24-52. <https://doi.org/10.35632/ajiss.v27i3.365>
- Sachedina, A. A. (1998). The Imamite Theory of Political Authority. 89-118. <https://doi.org/10.1093/oso/9780195119152.003.0004>
- Scharbrodt, O. (2021). Divine Sovereignty and Clerical Authority in Early Shi'i Islamism: Bāqir Al-Ṣadr (1935-80) and Taqī Al-Mudarrisi (B. 1945) on the Islamic State. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 32(2), 311-332. <https://doi.org/10.1017/s1356186321000304>
- Widiyanto, A. (2021). Between Political Legitimacy and Social Fabric of Society: Imamite-Shiite Interpretation of Qur'anic Verse 16: 90. *Afkaruna*, 17(1). <https://doi.org/10.18196/afkaruna.v17i1.11447>
- Yalçınkaya, M. (2021). The History and Background of the Innocence of Imams in Shia. *Uluslararası Anadolu Sosyal Bilimler Dergisi*, 5(4), 1560-1579. <https://doi.org/10.47525/ulasbid.1009809>